

فرا تحلیل رابطه دین‌داری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک

شاهور رستگاری^۱

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

اسدالله بابایی فرد

دانشیار علوم اجتماعی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۴/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۹

چکیده

درباره تأثیر دین‌داری بر نگرش‌های سیاسی افراد، نظریه‌ها و رویکردهای مختلفی وجود دارد که هر کدام با در نظر گرفتن پیش فرض‌هایی به دنبال تبیین چستی رابطه بین این دو متغیر هستند. سوال اصلی این تحقیق سنجش تأثیر میزان دین‌داری بر گرایش به ارزش‌های دموکراتیک است. هدف اصلی این پژوهش، فرا تحلیل پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه رابطه میان میزان دین‌داری و گرایش به دموکراسی است. به منظور انجام فرا تحلیل، 30 تحقیق انجام شده در رابطه با این موضوع بررسی شدند و از میان آن‌ها، ۱۷ پژوهش، که بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۸ در زمینه رابطه بین میزان دین‌داری و گرایش به دموکراسی که در فصلنامه‌های معتبر علمی به چاپ رسیده بود، انتخاب شد. پژوهش‌های مذکور با استفاده از روش پیمایشی در جوامع آماری متفاوت و مبتنی بر سنجش‌های پایا به انجام رسیده‌اند. در گام نخست ارزیابی پژوهش‌های منتخب، مفروضات همگنی و خطای انتشار مورد بررسی قرار گرفتند؛ بر این اساس یافته‌ها حکایت از ناهمگنی اندازه اثر و عدم سوگیری انتشار مطالعات مورد بررسی داشتند. در مرحله دوم، ضریب اندازه اثر با به کارگیری نسخه دوم نرم افزار CMA مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج به دست آمده نشان دادند که اندازه اثر یا ضریب تأثیر میزان دین‌داری بر گرایش به دموکراسی (0.439) است که برحسب نظام تفسیری کوهن، در حد متوسطی ارزیابی می‌شود.

واژگان کلیدی: دین‌داری، دموکراسی، فرا تحلیل، سنخ دینی، اندازه اثر

¹ نویسنده مسئول: shahorastegari@gmail.com

Meta-analysis of the relationship between religiosity and tendency towards democratic values

Shaho Rastegari¹

PhD Candidate of social issues of Iran, Kashan University, Kashan, Iran

Asadollah Babaie Fard

Associate Professor, Department of Social Sciences, Kashan University, Kashan, Iran

Abstract

Regarding the effect of religiosity on people's political attitudes; There are theories and theories, each of which, by taking into account before, seeks to explain what is the relationship between these two. The main question of this research is the degree of influence of religiosity on democratic values. The main goal of this research is the meta-analysis of the researches conducted in the field of the relationship between the level of religiosity and tendency towards democracy. In order to carry out the meta-analysis, 30 researches conducted in relation to this subject were examined and among these 17 researches conducted between 1384 and 1398 in the field of the relationship between the level of religiosity and tendency towards democracy, which were published in authoritative scientific journals. And were selected. The mentioned researches have been carried out using the survey method in different statistical communities and based on reliable measures. In the first step of evaluating the selected studies, the assumptions of homogeneity and publication error were examined; Based on this, the findings indicate the heterogeneity of the effect size and the lack of publication bias of the studied studies. In the second step, the effect size coefficient was calculated using the second version of the CMA evaluation software. The obtained results showed that the effect size or the effect coefficient of the level of religiosity on the tendency to democracy is (0.439), which is evaluated at a moderate level according to Cohen's interpretation system.

Keywords: Religiosity, Democracy, Meta-Analysis, Religious Identity, Effect Size

¹ Corresponding Author: shahorastegari@gmail.com

فرا تحلیل رابطه دین‌داری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک

مقدمه و بیان مساله

امروزه اهمیت و جایگاه توسعه سیاسی به‌مثابه افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای فردی و جمعی یک جامعه، در پیشرفت و ارتقای حیات معنوی و مادی جوامع، برکسی پوشیده نیست. در جهان معاصر، بیشتر کشورهای جهان ضرورت دموکراسی را به‌عنوان شیوه‌ای بهتر در حکمرانی پذیرفته‌اند و هیچ کشوری در جهان نمی‌تواند خود را از وجود نهادهای دموکراتیک مستثنی و بی‌نیاز بداند. از مزایای دموکراسی می‌توان به افزایش کارایی حکومت، برابری، ایجاد اطمینان و آسایش در جامعه و حفاظت از حقوق مالکیت اشاره کرد. وجود جنگ‌های گوناگون در خاورمیانه، بیشتر ناظران و متفکران سیاسی را در فکر فرو برده‌است: علت وجود این حجم از خشونت سیاسی در خاورمیانه از چه چیزی ناشی می‌شود؟ چرا در بیشتر کشورهای خاورمیانه شاخص شفافیت و حکمرانی خوب تا به این حد ضعیف است؟ اهمیت این موضوع در این مساله است که: تقابل ارزش‌های اسلامی و ارزش‌های دموکراتیک در خاورمیانه، در نهایت به نفع کدام گروه خواهد بود؟ اهمیت و ضرورت این مساله آنجایی مشخص می‌شود که، وجود دموکراسی در زیست روزمره شهروندان خاورمیانه به‌مثابه دارویی برای بسیاری از بیماری‌های نظام سیاسی و حکمرانی آن خواهد بود. کاهش ظرفیت حکمرانی دولت، کاهش سرمایه اجتماعی، افزایش آسیب‌ها و مسائل اجتماعی نظیر فقر، سرقت، اعتیاد، افزایش مهاجرت نخبگان علمی و سیاسی همگی مؤید این مطلب است که وجود دموکراسی و ارزش‌های دموکراتیک برای توسعه اقتصادی-اجتماعی جامعه بسیار مهم و حیاتی است، بطوری‌که راه‌حل بسیاری از این مسائل در گرو تعیین تکلیف نهاد دولت و مشارکت شهروندان در آن می‌باشد. تاریخ صدساله اخیر ایران نشان می‌دهد که نزاع اصلی در واقع بر سر دو تلقی مختلف از نحوه اداره جامعه بوده‌است و البته این دو نوع تلقی می‌تواند نام‌های مختلفی داشته باشد، اما واقعیت آن تغییر نمی‌کند. تلقی اول نگرش یگه‌سالارانه، استبدادی و باور به جامعه بسته است؛ و تلقی دوم نگرش مردم‌سالارانه و آزادیخواهانه و باور به جامعه باز است. هر دو نوع این تلقی‌ها، هم در میان دینداران و هم در میان لائیک‌ها و سکولارها مشاهده می‌شود.

پیشینه تجربی تحقیق

سید امامی و عبدالله (۱۳۸۸) در پیمایشی نشان می‌دهند که، در بین شهروندان تهرانی، انگیزه‌هایی چون تقویت انسجام ملی، پیروی از مقام رهبری، حمایت از نظام جمهوری اسلامی ایران و احساس تکلیف شرعی، رابطه معناداری با مشارکت انتخاباتی و سیاسی دارند. یعنی پاسخ‌دهندگانی که در بیشتر انتخابات رأی داده‌اند، انگیزه‌های مذکور را مهمترین دلیل مشارکت ذکر کرده‌اند. طالبان و میرزایی (۱۳۸۹) در پژوهشی بر روی دانشجویان نشان دادند که، میزان دینداری اثر معناداری بر رفتار انتخاباتی (گرایش رأی‌دهی و میزان مشارکت افراد در انتخابات) دارد؛ به این صورت که میزان دینداری بیشتر، به رأی دادن به اصولگرایان و مشارکت بالاتر در انتخابات منجر می‌شود و دینداری کمتر نیز موجب رأی دادن به اصلاح‌طلبان و مشارکت کمتر در انتخابات می‌شود. ذوالفقاری و موحدی (۱۳۹۰) با بهره‌گیری از نظریه هابرماس در خصوص تعامل دینداران و سکولارها نشان داد که بین نوع دینداری دانشجویان و نگرش آنان نسبت به ارزش‌های دموکراتیک، تفاوت معنی‌داری وجود دارد و رابطه‌ی نوع دینداری با نگرش نسبت به ارزش‌های دموکراتیک، رابطه‌ای معکوس است؛ یعنی هرچه دینداری در بین افراد افزایش می‌یابد، نگرش نسبت به ارزش‌های دموکراتیک منفی‌تر می‌شود.

بلوم و همکاران (۲۰۲۱) با نقد پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه دینداری بر این باورند که مدل‌های موجود، توانایی تبیین و شناسایی صحیح مکانیسم‌های مداخله‌گر رابطه بین دینداری و دموکراسی را ندارد. از این رو استفاده از مدل REME (مشمول بر باورهای دینی، رفتارهای اجتماعی و رفتار خصوصی) را پیشنهاد می‌کنند. آنان بر این باورند که هیچ پاسخ آسانی برای این سؤال وجود ندارد که، آیا دینداری عامل یا مانع گرایش به ارزش‌های دموکراتیک می‌شود یا خیر؟ گات و همکاران (۲۰۰۲) با بررسی گروه‌های مذهبی جامعه ایالات متحده نشان دادند که، میزان مشارکت سیاسی در مسیحیان بیشتر از یهودیان است و گروه‌های مسیحی میانه‌رو نسبت به گروه‌های سکولار و غیرمذهبی، مشارکت سیاسی بیشتری داشته‌اند. هانگ (۲۰۰۵) با بهره‌گیری از داده‌های پیمایش جهانی به این نتیجه می‌رسد که اسلام عامل اصلی فقدان دموکراسی در خاورمیانه نیست، اما عوامل فرهنگی بر چگونگی شکل‌گیری تفکر افراد در مورد سیاست و دموکراسی تأثیر گذار است.

فرا تحلیل رابطه دین‌داری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک

مبانی نظری پژوهش

برای تعریف دینداری در ابتدا باید دین تعریف شود. دین، اعتقادات، ارزش‌ها و شیوه‌های مربوط به نگرانی‌های مقدس یا معنوی را توصیف می‌کند. امیل دورکیم دین را به عنوان سیستم یکپارچه اعتقادات و اعمال نسبت به امور مقدس، تعریف کرد. ماکس وبر معتقد بود که دین می‌تواند نیرویی برای تحولات اجتماعی باشد. کارل مارکس دین را ابزاری دانست که توسط جوامع سرمایه‌داری برای تحقق نابرابری مورد استفاده قرار گرفته است. دین یک نهاد اجتماعی است، زیرا شامل اعتقادات و شیوه‌هایی است که در خدمت نیازهای جامعه است. دین نمونه‌ای از جهانی فرهنگی است، زیرا در همه جوامع به شکلی یافت می‌شود. جامعه‌شناسان از دیدگاه‌های گوناگونی چون کارکردگرایی، نظریه تعارض و تعامل‌گرایی تلاش کرده‌اند که دین را بفهمند. دین فعالیتی انسانی است که آن را فقط در چارچوب واقعیتی که برای خود ایجاد می‌کند می‌توان به راحتی پذیرفت (داو، ۲۰۰۷).

رابرت بلا با مطرح کردن مفهوم دین مدنی، تعریفی جامع از دین ارائه می‌دهد: دین مجموعه‌ای از پاسخ‌های منسجم به پرسش‌های اصلی وجودی است که، هر گروه انسانی با آن‌ها مواجه می‌شود و دسته‌بندی کردن این پاسخ‌ها در یک شکل اعتقادی است که برای طرفدارانش مهم و معنادار است، بزرگداشت شعائر است که پیوندی عاطفی بین کسانی که در آن مشارکت می‌کنند فراهم می‌کند و ایجاد دستگاه نهادی است که کسانی را که در آن آیین و بزرگداشت سهیم‌اند در یک اجتماع گرد می‌آورد و موجبات تداوم این شعائر را از نسلی به نسل دیگر فراهم می‌کند (تامسون و دیگران، ۱۹:۱۳۸۱ به نقل از بابایی فرد، ۱۹:۱۳۹۱)

مفهوم‌سازی و اندازه‌گیری سازه‌های مذهبی از اواخر دهه ۱۹۵۰ جزو مباحث مهم در جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی بوده است. محققان دریافته‌اند که دین یک حوزه پیچیده و چند بعدی زندگی بشر است که شامل رفتارها، نگرش‌ها، عقاید، احساسات، افکار، تجربیات و ارزش‌ها می‌شود. بیشتر کارها در جامعه‌شناسی دین از گلاک و استارک^۱ (۱۹۶۵) و سایر جامعه‌شناسانی که به دنبال ترسیم ابعاد متعدد مشارکت و تعهد دینی هستند، آغاز می‌شود. در روانشناسی دین، یک سنت مفهومی موازی شکل گرفته است. بر اساس تمایز آلپورت^۲ (۱۹۷۹) بین دین "نهادینه شده" و "درونی شده"، ابزارهای موجود در این سنت به دنبال تمایز بین انگیزه‌های "بیرونی" و "ذاتی" برای

¹ Glarck & Stark

² Alport

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

تبیین تمایلات مذهبی هستند (به نقل از لوین، ۲۰۱۱). گلارک و استارک (۱۹۷۰) برای دینداری چهار بعد اصلی: باور، عمل، تجربه و دانش را به عنوان ابعاد اصلی و عمومی التزام دینی مطرح کرده‌اند (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۴۳).

دینداری در نگاه کلی به دو نوع التزام عینی (رفتاری) و ذهنی (اعتقادی و عاطفی) تقسیم می‌شود. التزام عینی به کلیه رفتارها و اعمال معطوف به خداوند که توسط سازمان مذهبی مشروع در جامعه مشخص و توصیف شده‌اند، اشاره دارد. التزام ذهنی در بردارنده اعتقاد یا شناخت از تبیین‌ها و توصیفات تأیید شده توسط یک سازمان دینی و داشتن عواطف و احساسات مساعد نسبت به آن است (استارک و فینکی، ۲۰۰۰: ۱۰۳). دینداری صفتی است مربوط به افراد که در آن فرد به الگوها و دستورات یک دین پایبند است، نگرش خاصی به هستی پیدا می‌کند و شخصیت و کنش‌هایش متمایز از دیگران می‌شود (شجاعی زند، ۱۳۸۶). دینداری یا تدین، التزام فرد به دین مورد قبول خویش است. این التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی و جمعی دور می‌زند که حول خداوند (امر قدسی) و رابطه ایمانی با او سامان می‌پذیرد (طالبان، ۱۳۸۰: ۱۰).

متفکران گوناگونی بر اهمیت و جایگاه دموکراتیزاسیون در ادبیات نظری توسعه تأکید می‌کنند. تأکید بر این مهم مستلزم در نظر گرفتن تمهیدات نظری و پیش‌شرط‌های مادی موجود در بستر هر جامعه است. جامعه‌شناسانی نظیر آلموند^۲، وربا^۳، دایاموند^۴ و اینگلهارت بر نقش فرهنگ سیاسی جوامع در گذار و تثبیت دموکراسی تأکید می‌کنند. آلموند و وربا (۱۹۶۵) در کتاب معروف خود با نام فرهنگ مدنی: ایستارهای سیاسی و دموکراسی در پنج کشور، به مطالعه تطبیقی-تاریخی فرهنگ پنج کشور مکزیک، آمریکا، آلمان، ایتالیا و انگلستان با رویکرد انسان‌شناسانه پرداختند و به این نتیجه رسیدند که در درون هر نظام سیاسی، الگوی خاصی از سمت‌گیری برای کنش سیاسی وجود دارد که فرهنگ سیاسی نام دارد. آن‌ها سه نوع سنخ فرهنگ سیاسی را شامل فرهنگ سیاسی تبعی، محدود و مشارکتی شناسایی کردند و از آنجایی که هر سنخ در یک کشور به صورت تام و کمال وجود ندارد، به ترکیب این سنخ‌ها روی آوردند. نخستین کسی که اصطلاح فرهنگ سیاسی را ابداع کرد وربا و آلموند بودند. آن‌ها بر این باور بودند که ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها، آداب و

¹ Lewin

² Almond

³ Verba

⁴ Dayamond

فراتحلیل رابطه دین‌داری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک

رسوم فرهنگ سیاسی هر کشور در کنار فرهنگ اقتصادی و فرهنگ اجتماعی آن‌ها در بحث ارتباط با نهاد قدرت و مدیریت سیاسی جامعه، نقش مؤثری در تثبیت یا عدم تثبیت نظام سیاسی در آن جامعه دارد. این نوع نگاه به فرهنگ سیاسی به‌نوعی ذات‌گرایی و ازلی‌پنداری از فرهنگ سیاسی جوامع منجر می‌شود که در آن فرهنگ سیاسی، استقلال بیش‌ازحدی از سایر اجزا و ارکان جامعه پیدا می‌کند و به‌نوعی به‌مثابه یک متغیر مستقل قدرتمند در تبیین چیرستی و چگونگی نحوه سامان‌یابی نظام سیاسی جوامع، جایگاه برتری پیدا می‌کند. وریا و آلموند (۱۹۶۵) بر این باورند که برای گذار از یک نظم استبدادی به نظامی دموکراتیک مبتنی بر حاکمیت مردم، باید فرهنگ سیاسی دموکراتیک مبتنی بر تساهل، تسامح و احترام به حقوق دیگران و ارزش‌های دموکراتیک در اکثریت شهروندان آن جامعه نهادینه شود. وریا و آلموند متأثر از نگاه کارکردی پارسونز به بحث فرهنگ، جایگاه فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی در تثبیت نوع نظام سیاسی را بسیار مهم ارزیابی می‌کنند. تری لین کارل و فیلیپ اشمیتز (۱۹۹۱) با نقد نظریه وریا و آلموند، آن‌ها را متهم به‌نوعی این‌همانی (توتولوژی) معرفت‌شناسانه می‌کند. کارل و اشمیتز توضیح می‌دهند که بنیان این استدلال را باید وازگونه کرد تا بتوان در دنیای واقعی به آن استناد کرد. به این معنا که به‌جای این که فرهنگ سیاسی دموکراتیک را عامل دموکراتیزاسیون بدانیم، باید سرقیف را وارونه نگاه کرد یعنی اساساً این فرایند دموکراتیزاسیون است که عامل فرهنگ سیاسی دموکراتیک است و نه بالعکس. دموکراتیزاسیون با فعالیت آگاهانه کنشگران سیاسی خواهان دموکراسی در به‌چالش کشیدن نظم استبدادی مستقر، به شکل‌گیری احزاب و تشکل‌های سیاسی دموکراتیکی منجر خواهد شد که به تدریج این تکانه در ارزش‌های فرهنگی کنشگران حاضر در جامعه به‌مثابه تجربه زیسته مشترک درآمده و در شهروندان جامعه درونی می‌شود. با تمرین و ممارست در یادگیری دموکراسی و بازی سیاست، افراد جامعه به‌عنوان شهروندانی مسئولیت‌پذیر، داشتن فرهنگ مشارکتی تعامل با نهاد قدرت را یاد گرفته و نقش جدی و مهم در شکل‌گیری رفتار نظام سیاسی خواهند داشت و با رواج مطالبه‌گری در این پروسه، روند پاسخگویی و شفافیت عملکرد و نهادهای دولتی را در دستور کار نظام حکمرانی قرار خواهند داد. به طریقی مشابه، *دایاموند* (۱۹۹۲) نیز در کتاب معروف خود با عنوان دموکراسی در حال توسعه: به‌سوی تحکیم، بر این باور است که نه در مرحله گذار به دموکراسی بلکه در مرحله

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

تثیت دموکراسی، نقش فرهنگ سیاسی دموکراتیک و مشارکتی بسیار حیاتی بوده و بدون آن این مهم میسر نمی‌شود.

لوسین پای^۱ (۱۳۷۰) برای باور است که فرهنگ سیاسی مجموعه‌ای از اعتقادات، بازخوردها و احساساتی است که به روند سیاسی سامان داده و اصول و قواعد تعیین‌کننده حاکم بر رفتار نظام سیاسی را مشخص می‌کند (پای، ۱۳۷۰: ۲۲). یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی هر جامعه دین می‌باشد. تعاریف گوناگونی از دین ارائه گردیده‌است که برخی بر جنبه‌های قدسی و الهی دین و برخی دیگر بر ابعاد کارکردی-هویتی آن تأکید می‌کنند. در بحث رابطه دین و دموکراسی، ماکس وبر (۱۳۷۳) در کتاب *اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری*، برخلاف مارکس، به نقش مؤثر فرهنگ (دین) بر توسعه اقتصادی جوامع تأکید می‌کند. وبر برای باور است که دین در جامعه بشری به‌مثابه موتور محرکی عمل کرده که سطوح گوناگون توسعه‌یافتگی را تبیین می‌کند. در جهان با دو نوع دین سروکار داریم، *ادیان این جهانی و ادیان آن جهانی*. در ادیان این جهانی، تأکید بر سعادت و بهروزی انسان در این جهان می‌باشد، جهان محل کار و فعالیت بوده و خوشبختی در این جهان پیش‌زمینه خوشبختی و کامیابی در جهان دیگر است؛ ولی در روایت آن جهانی، مفهوم تقدیر جایگاه بسیار مهمی در نظام اندیشگی دارد. جهان مادی چیزی جز بستر آلوده‌شده به منافع و هواهای نفسانی نیست و سرنوشت انسان در این است که با ممانعت در مشارکت در این بستر مادی و آلوده، خود را برای جهان آخرت آماده کند. ترنر^۲ (۱۳۷۹) در کتاب *وبر و اسلام* معتقد است که، وبر مسیحیت پیوریتن (پروتستانی) را جزو ادیان این جهانی و اسلام را جزو ادیان آن جهانی می‌داند. در روایت وبر از اسلام، مفهوم جنگاوری و سلحشوری در شبه‌جزیره عربستان از طریق دالی به نام دین اسلام توانست قبایل و اعراب بادیه‌نشین شبه‌جزیره عربستان را در قرن ششم میلادی با یکدیگر متحد کرده و از آنجایی که شهرهای آن‌زمان عربستان کارکردی جز بازرگانی از طریق جابه‌جایی غنایم و ثروت-های به‌جای مانده از غارت سایر قبایل، کارکرد دیگری نداشتند، شهر به معنای مدرن آن در عربستان شکل نگرفت و اساساً در دین اسلام، روایت صوفیانه و سلحشوری از فعالیت و کار، هژمونی پیدا کرده و به این دلیل برای مسلمانان، تلاش در جهت ساختن دنیا و آبادانی و توسعه در درجه دوم

¹ Pay

² Turner

فرا تحلیل رابطه دین‌داری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک

اهمیت قرار دارد و هدف اصلی مسلمین همان قرب الی الله در جهان آخرت است. رودنسون^۱ (۱۳۹۸) در کتاب اسلام و سرمایه‌داری به نظریه وبر حمله کرده و با بررسی آیات و احادیث اسلامی نشان داده‌است که اتفاقاً آموزه‌های دین اسلام، هیچ منافاتی با تشویق و توسعه سرمایه‌داری، انباشت ثروت مادی و رشد علمی ندارد. اسلام مناسبات طبقاتی را به رسمیت شناخته و به مالکیت خصوصی احترام می‌گذارد و به مسلمانان سفارش کرده‌است که با سعی و جهاد، بر مال و ثروت خود بیفزایند و برای کمک به مستمندان و ضعفاى جامعه، احکامی نظیر خمس و زکات قرار داده تا از شدت بی‌نواىی فقرا کاسته شود. زکات و خمس در اقتصاد اسلامی همان کارکرد مالیات و یارانه رفاهی و بیمه بیکاری را در سیستم سرمایه‌داری دارد.

دوتو کوئیل^۲ (۱۸۸۶) در کتاب *دموکراسی در آمریکا* بر این باور است که وجود ارزش‌های دینی در بین مردم و سیاستمداران باعث می‌شود که از غلبه شهوت‌گرایی، پول‌دوستی، مقام‌پرستی، مادی-گرایی و اجحاف حقوق ضعفا ممانعت به عمل آید و دینداری با دموکراسی هیچ تضادی ندارد. در مورد نسبت اسلام و دموکراسی دو نظریه یا پارادایم فکری کاملاً متضاد وجود دارد: تضاد اسلام و دموکراسی و مطابقت اسلام و دموکراسی.

هانتینگتون^۳ (۱۳۸۱) بر این باور است که آموزه‌های دین اسلام تضادی بنیادی با آموزه‌های الگوی دموکراسی لیبرال دارد. وی یکی از اصیل‌ترین آموزه‌های دموکراسی را جدایی دین از سیاست (سکولاریسم) می‌داند درحالی که حکومت دینی از بنیاد با این فرض تضاد دارد. برنارد لویس (۱۳۹۶) معتقد است که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اسلام سیاسی مفهوم خرسندی از جهان است که باعث می‌شود مسلمانان تلاشی در جهت گذار به دموکراسی انجام ندهند. اسلام و خاورمیانه موجودیت‌هایی عقب‌افتاده‌اند که عامل اصلی عقب‌افتادگی‌شان ارزش‌ها و اصول فرهنگی خودشان می‌باشد. به باور وی، زوال و انحطاط جوامع اسلامی که از قرن ۱۱ شروع شد، بیش از آن که مربوط به فشارهای خارجی همچون جنگ‌های صلیبی و استعمار باشد، ناشی از استبداد فرهنگی خودشان بوده‌است که مانع اقتباس‌های خلاقانه از فرهنگ‌های دیگر شده‌است. فوکویاما^۴ (۱۳۹۵) بر این باور است که در کشورهای مسلمان امکان همزیستی مسالمت‌آمیز میان اسلام و حکومت دموکراتیک

^۱ Rodenson

^۲ Dotoquiel

^۳ Hantightoun

^۴ Fukuyama

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

وجود ندارد. وجود میراث مسیحی در اروپای قرن نوزدهم بستر مناسبی برای گذار به دموکراسی را در غرب فراهم آورد که عدم وجود آن بستر فرهنگی در خاورمیانه، باعث شده‌است که گذار به دموکراسی اتفاق نیفتد. بایبی سعید^۱ (۱۳۷۹) معتقد است که اسلام‌گرایی در غرب به‌عنوان مساله‌ای هراس‌آور شناسانده شده‌است که به‌مثابه دالی استعلایی معنابخش، به‌مثابه عنصری وحدت‌بخش و هویت‌بخش، نقشی مهم در بازسازی و مشارکت مسلمانان در فرایند ساختن تاریخ ایفا می‌کند.

در بین علمای اسلامی نیز روایتی این‌چنین از رابطه اسلام و دموکراسی وجود دارد. مصباح یزدی در مجادلات خویش با عبدالکریم سروش در اوایل دهه هفتاد شمسی، بر این باور بود که تضادی ماهوی بین اسلام و دموکراسی وجود دارد و ریشه‌های معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی متضادی بر روایت لیبرال دموکراسی و اسلام، از انسان و مطلوبیت‌های او وجود دارد. اسلام‌گرایان بنیادگرایی چون طالبان، القاعده، وهابی‌گری، سلفی‌گری، اخوان المسلمین نظیر محمد بنا، محمد قطب، سید جمال‌الدین اسدآبادی و سید قطب و دیگران نیز بر تفارق و ناسازگاری آموزه‌های لیبرال دموکراسی و حکومت اسلامی تأکید داشتند.

اما در طرف مقابل، افرادی نظیر فرد هالیدی و رونالد اینگلهارت، بر عدم تضاد و ناسازگاری اسلام و دموکراسی تأکید دارند. فرد هالیدی^۲ (۱۹۹۶) یکی از متخصصین تاریخ تحولات اجتماعی خاورمیانه و جهان عرب، بر این باور است که عدم گذار به دموکراسی در خاورمیانه را نمی‌توان صرفاً با استعانت از وجود فرهنگ سیاسی اسلامی تبیین کرد و برای تبیین این وضعیت، نباید از متغیرها و عوامل مهمی نظیر اقتصاد سیاسی خاورمیانه، نظامی‌گری و جایگاه ژئوپولیتیک خاورمیانه در جهان، میزان مدرنیزاسیون، نرخ شهرنشینی، تجارت بین‌المللی، جهانی‌شدن و بازار آزاد، نرخ باسوادی، اقتصاد رانتی مبتنی بر نفت و وجود گروه‌ها و مافیای مستبد در آن جوامع چشم‌پوشی کرد. رونالد اینگلهارت و موزلس در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های جهانی در سال ۱۹۹۳، پرسشنامه استاندارد گرایش به ارزش‌های دموکراتیک را در بین ۳۵ هزار نفر در ۲۶ کشور جهان توزیع کردند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که میزان گرایش به دموکراسی در بین مسلمانان، تفاوت معنادار آماری با سایر نقاط جهان ندارد و میزان گرایش به دموکراسی در این کشورها همانند سایر کشورهای مسیحی، یهودی و بودایی می‌باشد و درصد بسیار بالایی از مردم خاورمیانه اظهار داشته‌اند که به ارزش‌های تساهل و

¹ Saieed

² Halidey

فراتحلیل رابطه دین‌داری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک

تسامح پایبندند و از حکومتی دموکراتیک دفاع کرده بودند. در بین اندیشمندان اسلامی نیز روشنفکران دینی نظیر سروش (۱۳۷۵)، مجتهد شبستری (۱۳۸۱) و مصطفی ملکیان (۱۳۸۱) برای باورند که بین اسلام و دموکراسی تضاد بنیادین و ماهوی وجود ندارد و با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی می‌توان مدلی از سیستم حکمرانی دموکراتیک را نهادینه کرد که، در آن با مشارکت حداکثری مردم و وجود سازوکارهای دموکراتیک، بر نحوه تصمیم‌گیری نهادهای حکومتی نظارت شود و مانع از تثبیت استبداد و دیکتاتوری گردد.

گرهارد لنسکی^۱ متأثر از وبر برای باور بود که دین می‌تواند کنش‌های سیاسی و اقتصادی را محدود کند. وی بر تمایز گرایش سیاسی محافظه‌کاران مذهبی در انتخاب احزاب سیاسی در آمریکا تأکید می‌کرد. محافظه‌کاران مذهبی بیشتر طرفدار حزب جمهوری خواه هستند چرا که، این حزب بر ارزش‌های اخلاقی محافظه‌کارانه و محدودیت‌های اجتماعی منبعث از آموزه‌های مسیحیت ارتودوکس تأکید دارد. از طرفی دیگر، لیبرال‌های مذهبی، بیشتر طرفدار حزب دموکرات هستند که در سیاست آن حزب طرفداری از حقوق همجنس‌گرایان، زنان، دگرباشان جنسی، آزادی‌های اجتماعی و رعایت حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۳۸).

فرضیه تحقیق

فرضیه، حدس و گمان علمی و خردمندانه‌ای است که محقق در مورد روابط یک یا چند متغیر پژوهش خود دارد. این گمان‌ها، نشان‌دهنده‌ی نتایج مورد انتظار از پژوهش است. در واقع پژوهشگری که قصد دارد رابطه‌ی دو متغیر را در طرح خود مورد بررسی قرار دهد، قبل از شروع، نتایجی را که قرار است در مطالعه‌ی خود به صورت علمی به بررسی آن پردازد، پیش‌بینی می‌کند. فرضیه یک پاسخ آزمایشی برای سوال تحقیق فراهم می‌کند که هنوز آزمایش نشده است. به دیگر سخن فرضیه عبارت یا جمله‌ای است که ارتباط مورد انتظار بین دو یا چند متغیر را در یک جمعیت خاص بیان می‌کند. زمانی که رابطه و همبستگی بین پدیده‌ها و متغیرهای پژوهش مورد توجه است، از فرضیه استفاده می‌شود. در این پژوهش رابطه بین دین‌داری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک

¹ Lensky

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

مورد بررسی قرار خواهد گرفت و به بررسی این فرضیه خواهیم پرداخت: بین دینداری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش فراتحلیل است. فراتحلیل، رویکردی کمی است که با هدف ترکیب سیستماتیک نتایج پژوهش‌های پیشین، در راستای رسیدن به اهدافی نظیر کشف خلاء علمی، اثربخشی نتایج و برنامه‌ریزی برای پژوهش‌های جدید انجام می‌شود. فراتحلیل در واقع شکلی از فرارزשיایی است که به تحلیل‌های مستقل چندگانه‌ای، از مجموعه واحدی از ارزشیایی‌ها، معطوف است که در آن بدون صرف زمان و یا پول زیاد به‌دوراز هزینه‌های اصلی، کدگذاری داده‌ها و اطلاعات در مطالعات و ارزشیایی‌های اولیه تکمیل می‌شود (طباطبایی و ودادهیر، ۱۳۸۹: ۴۴). روش فراتحلیل، با استفاده از آمار استنباطی به ترکیب نتایج مجموعه‌ای از پژوهش‌ها (با آزمون یک فرضیه یکسان) می‌پردازد که از چند مرحله تشکیل شده است:

جدول ۱. مراحل انجام روش فراتحلیل

مرحله	فعالیت	توضیح
1	تعریف موضوع	رابطه دینداری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک
2	احصاء پژوهش‌های قبلی	جامعه آماری: تمام مقاله‌های منتشر شده مرتبط با موضوع (45 مقاله) در سامانه‌های SID، IRANDOC، MAGIRAN، NOORMAGS
3	غربالگری و گزینش	انتخاب 17 سند با داشتن معیارهایی نظیر مشخص بودن حجم نمونه، ضریب همبستگی، سطح معنی‌داری
4	طبقه‌بندی و کدگذاری	تنظیم جدول اطلاعات پژوهش‌ها شامل نام نویسنده (ها)، سال انتشار، جامعه آماری، حجم نمونه، شیوه نمونه‌گیری، ضریب همبستگی و سطح معنی‌داری
5	ورود داده‌ها به نرم افزار	اطلاعات جدول در نرم‌افزار CMA وارد گردید.

فرا تحلیل رابطه دین داری و گرایش به ارزش های دموکراتیک

6	آنالیز داده ها	ترسیم نمودار کیفی، محاسبه ضریب همبستگی رتبه ای بگک و مزومدار، آزمون Q (بررسی ناهمگونی)، ترسیم مدل اثرات تصادفی جهت ترکیب نتایج و رسیدن به اندازه اثر
---	----------------	--

نتایج تحقیق

یافته های توصیفی

جدول ۲. خلاصه تحقیقات انجام شده

نویسنده	جامعه آماری	شهر	حجم نمونه	شیوه نمونه گیری	نظریه استفاده شده	میزان همبستگی	سطح معنی داری
1	ذوالفقاری و اوحدی (1388)	تهران	707	طبقه های نسبی	هابرماس / ویر / شفیلد	.024	0.000
2	حاتمی و دیگران (1392)	مغان	335	تصادفی	وربا / راش	.270	0.779
3	خانیکی و سرشار (1391)	سنندج	365	تصادفی خوشه ای	آلموند و وربا	$X^2=25.274$ V Cramer=0.36 4	0.14
4	گلچین و دیگران (1387)	تهران	300	تصادفی	روزنام / رز و میشلز / اینگلهارت	0.437	0.000
5	جهانگیری و ابو ترابی زارچی (1391)	شیراز	430	تصادفی طبقه بندی شده	گیدنز / آلموند	0.564	0.000
6	شیرعلی زاده و دیگران (1392)	خلخال	331	طبقه بندی تصادفی ساده	تورن / مارشال / هابرماس / پارسونز	0.580	0.000

..... پژوهش های جامعه شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

7	رهبر قاضی و دیگران (1395)	شهروندان	اصفهان	339	تصادفی خوشه- ای	وبر	-0.220	0.000
8	مؤمنی و دیگران (1395)	دانشجویان	شیراز	376	تصادفی ساده	دورکیم / آلپورت	0.180	0.724
9	صالح آبادی و قندهاری (1390)	شهروندان	نیشابور	295	تصادفی متناسب با حجم نمونه	لنسکی / وبر	-0.311	0.000
10	سراج زاده و دیگران (1383)	دانشجویان	مشهد	235	تصادفی ساده	آلپورت/دورکیم	-0.629	0.000
11	زالی زاده و دیگران (1397)	دانشجویان	اهواز	374	طبقه بندی متناسب با حجم	بندورا/آدورنو آلتیمیر/ پاتنام/ دورکیم	-0.360	0.015
12	نائبی و میرزایی (1397)	شهروندان	تهران	384	تصادفی از 60 بلوک تصادفی	اینگلهارت/ دوتوکویل	0.550	0.000
13	ملانکه و امیری فر (1397)	شهروندان	ایذه	376	خوشه‌ای و تصادفی ساده	گلارگ و استارک/ هانتینگتون/ لیست	0.340	0.000
14	احمدی و دیگران (1396)	دانشجویان	سنتدج	380	سهیمه‌ای متناسب با حجم نمونه	تسلر/ گانو	-0.177	0.23
15	کشاورز و دیگران (1392)	شهروندان	اصفهان	384	سهیمه‌ای	وبر/ دوتوکویل	0.870	0.000
16	یکتاپرست و دیگران (1398)	شهروندان	رشت	385	خوشه‌ای	پارسونز/ بلا/ وبر	0.616	0.000
17	زارع و روهنده (1395)	شهروندان	کرج	400	خوشه‌ای چندمرحله‌ای	وربا/ اینگلهارت/ دال	0.515	0.000

فرا تحلیل رابطه دین داری و گرایش به ارزش های دموکراتیک

در جدول شماره ۳ اثر ترکیبی ثابت و تصادفی پژوهش های منتخب به همراه اثر تفکیکی هر مقاله مشخص شد.

جدول ۳. اثر تفکیکی پژوهش ها به همراه اثر ترکیبی ثابت و تصادفی

ردیف	پژوهشگر	اندازه اثر	حد پایین	حد بالا	p-value	z-value
1	ذوالفقاری	.240	.169	.308	6.495	0.000
2	حاتمی	.270	.168	.367	5.045	0.000
3	خانگی	.263	.165	.356	5.124	0.000
4	گلچین	.437	.341	.524	8.074	0.000
5	جهانگیری	.564	.496	.625	13.198	0.000
6	شیرعلی زاده	.580	.504	.647	11.998	0.000
7	رهر قاضی	-.220	.116	.319	4.100	0.000
8	مؤمنی	.018	-.083	.119	0.348	0.728
9	صالح آبادی	-.311	.204	.411	5.496	0.000
10	سراج زاده	-.629	.545	.701	11.268	0.000
11	زالی زاده	-.360	.268	.445	7.259	0.000
12	نائبی	.550	.476	.616	12.070	0.000
13	ملانکه	.340	.247	.426	6.839	0.000
14	احمدی	-.177	.078	.273	3.473	0.000
15	کشاوری	.870	.843	.892	26.021	0.000
16	یکتا پرست	.616	.550	.674	14.044	0.000
17	زارع	.515	.439	.584	11.347	0.000
	اثرات ترکیبی ثابت	.430	.410	.450	36.679	0.000
	اثرات ترکیبی تصادفی	.439	.313	.550	6.292	0.000

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

نتایج جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که اندازه اثر ترکیبی ثابت، ارتباط بین دینداری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک ۰.۴۳۰ است که بین حد پایین (۰/۰۴۱۰) و حد بالای (۰/۰۴۵۰) فاصله اطمینان قرار داشته و با اطمینان ۹۹ درصدی معنادار بوده است. اثر ترکیبی تصادفی نیز با عدد ۰/۰۴۳۹ فی مابین حد پایین (۰/۰۳۱۳) و حد بالای (۰/۰۵۵۰) معنادار شد. در بین ۱۷ مقاله منتخب، کوچک‌ترین مقدار اندازه اثر ۰.۳۶۰- مربوط به مطالعه زالی زاده (۱۳۹۷) و بزرگ‌ترین مقدار اندازه اثر ۰/۰۶۱۶ مربوط به مطالعه یکتاپرست (۱۳۹۸) بوده است.

یافته‌های استنباطی

در این مرحله از فراتحلیل، لازم است به بررسی مهم‌ترین پیش‌فرض‌های این روش پژوهشی، یعنی همگن بودن پژوهش‌های صورت گرفته و بررسی خطای انتشار پرداخته شود.

بررسی مفروضه همگنی مطالعات انجام‌شده

چنانچه محقق درصد آن باشد که مشخص کند، کدام‌یک از مدل‌های اثر ثابت یا تصادفی، باید مبنای تحلیل قرار گیرد؛ لازم است، از آزمون همگنی مطالعات استفاده کند. فرض صفر و فرض خلاف آزمون Q به‌قرار زیر است:

فرض صفر: بین پژوهش‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد (فرض همگنی)

فرض خلاف صفر: بین پژوهش‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد (فرض ناهمگنی)

جدول ۴. مقدار آزمون کیو

I-SQUARED(12)	سطح معنی‌داری	درجه آزادی DF	مقدار آزمون Q	شاخص آماری
97.174	0.000	16	566.204	نتایج

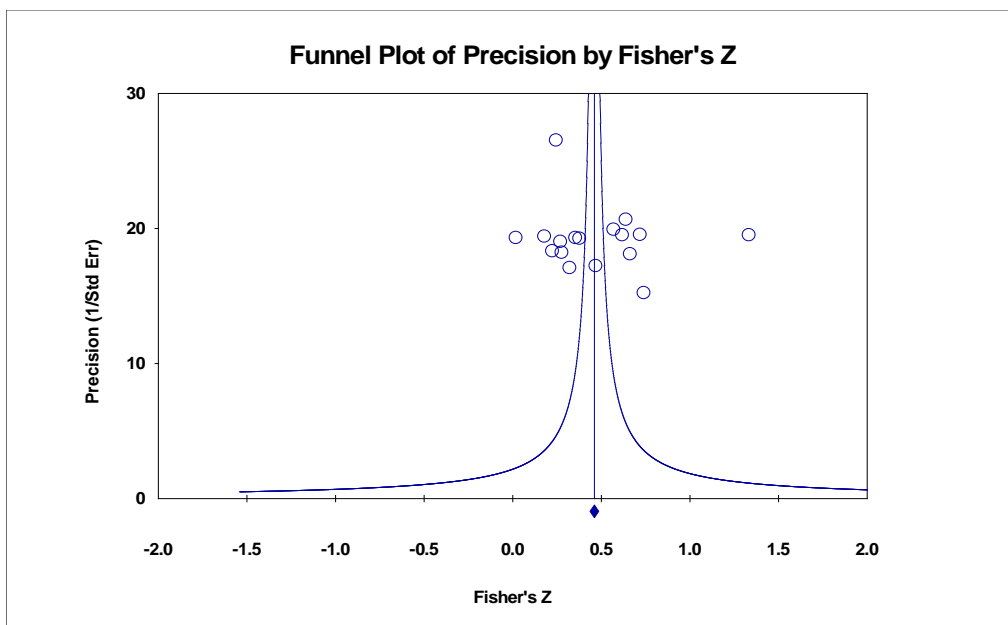
اگر فرض صفر (همگنی) مورد پذیرش قرار گیرد و بین پژوهش‌ها تفاوت معنی‌داری برقرار نباشد از مدل اثرات ثابت استفاده می‌کنیم؛ در غیر این صورت از مدل اثرات تصادفی بهره می‌بریم، یعنی بین پژوهش‌های مورد بررسی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد و فرض ناهمگنی مطالعات تأیید می‌شود. مدل اثرات ثابت، تفاوت بین اندازه‌های اثر را ناشی از خطای نمونه‌گیری و تغییرات بین پژوهش‌ها مفروض می‌داند. پیش‌فرض مدل اثرات تصادفی این است که پژوهش‌های منتخب، یک نمونه

فرا تحلیل رابطه دین داری و گرایش به ارزش های دموکراتیک

تصادفی از تمام پژوهش های انجام شده است و تفاوت بین اندازه های اثر، ناشی از خطای اندازه گیری و تمایزات ذاتی بین پژوهش هاست. برای تشخیص ناهمگونی پژوهش ها از آماره Q و I^2 استفاده می شود. در این تحقیق با توجه به میزان شاخص $Q(۵۶۶.۲۰۴)$ و $I^2(۹۷.۱۷۴)$ در سطح اطمینان ۹۹ درصد فرض ناهمگونی تأیید می شود و باید از مدل اثرات تصادفی برای ترکیب یافته ها بهره گرفت. به عبارتی بهتر، ۹۷.۱۷۴ درصد از تغییرات تمام پژوهش ها با ناهمگونی آن ها (از نظر جامعه آماری، آماره های بکاربرده شده، ابزارهای اندازه گیری و غیره) قابل تبیین است. به زبان ساده تر، بررسی رابطه بین دین داری و گرایش به ارزش های دموکراتیک با درصد بالایی از منظر خصوصیات پژوهش ها تفاوت دارند.

سوگیری انتشار

در مرحله احصاء مقاله های مرتبط با موضوع رابطه دین داری بر گرایش های دموکراتیک، ممکن است برخی از پژوهش ها بنا به دلایلی هرگز منتشر نشده باشد و پژوهشگر امکان دسترسی به نتایج آن ها را نداشته باشد. این مساله به خطای انتشار منجر می شود و ممکن است اعتبار نتایج فرا تحلیل را مخدوش کند. نمودار کیفی، یکی از ابزارهایی است که برای بررسی سوگیری انتشار به کار برده می شود



در بررسی نتایج نمودار کیفی، به نحوه تقارن یا عدم تقارن مطالعات انجام شده در اطراف اندازه اثر ترکیبی توجه می‌شود. در این نمودار نحوه تقارن اشکال، نشان دهنده عدم سوگیری انتشار است. ذکر این نکته لازم است که این تقارن نسبی بوده و برای تدقیق بیشتر موضوع سوگیری، باید از آزمون‌های آماری تخصصی، نظیر رگرسیون خطی استفاده کرد.

آزمون بگ و مزومدار

در این آزمون، همبستگی رتبه‌ای بین واریانس اثرات استاندارد و اندازه اثر را مورد سنجش قرار می‌دهند. برای تفسیر این آزمون، از میزان انحراف از عدد صفر بهره می‌برند. عدد صفر به معنی عدم رابطه بین اندازه اثر و دقت است و هر گونه انحراف از عدد صفر، وجود رابطه بین این دو را نشان می‌دهد.

جدول ۵. نتایج همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار

شاخص آماری	مقدار ضریب کندال (TAU)	Z-VALUE	سطح معنی‌داری
نتایج	0.093	36.679	0.000

فرا تحلیل رابطه دین داری و گرایش به ارزش های دموکراتیک

فرض صفر: بین اندازه اثر و دقت، تفاوت معناداری وجود ندارد (فرض عدم سوگیری نشر)
فرض خلاف صفر: بین اندازه اثر و دقت، تفاوت معناداری وجود دارد (فرض سوگیری نشر)
نتایج جدول شماره ۴ نشان می دهد، مقدار تائو کندال بی برابر با ۰.۰۹۳ است؛ که می توان گفت:
علیرغم وجود رابطه بین اندازه اثر و دقت، این رابطه معنی دار نبوده و فرض صفر مبتنی بر عدم
سوگیری نشر، تأیید می شود.

ضریب اندازه اثر

پس از تأیید مقدمات مربوط به عدم سوگیری نشر و تأیید فرض ناهمگنی مطالعات، به تحلیل اندازه
اثر رابطه بین دین داری و گرایش به ارزش های دموکراتیک، می پردازیم.

جدول ۶. جدول ضریب اندازه اثر

رابطه	تعداد مطالعات	اندازه اثر (R)	حد پایین	حد بالا	Z-VALUE	P-VALUE
رابطه بین دین داری و گرایش به دموکراسی	17	.439	.313	.550	6.292	0.000

اندازه اثر یک مفهوم آماری است که قدرت رابطه بین دو متغیر را در مقیاس عددی اندازه گیری
می کند که مهمترین و معروف ترین اصطلاح مورد استفاده در روش فراتحلیل است. به طوری که
رزنتال و دیمیتو (۲۰۰۱) از آن به عنوان شاه مهره فراتحلیل یاد می کنند (رزنتال و دیمیتو، ۲۰۰۱: ۷۰).
این مرحله دارای ابعاد گوناگونی نظیر فرایند تعریف و بررسی مناسبات بین آزمون های مختلف
معنی دار و اندازه اثر آزمون ها و روش های مختلف برای تعریف و برآورد اندازه اثر آزمون است (قاضی طباطبایی و ودادهیر، ۱۳۸۹: ۱۰۴). سطح معنی داری این آزمون (کمتر از ۰.۵)؛ معنی دار بودن
و تصادفی نبودن تفاوت موجود بین آمارها و پارامتر را بیان می کند. کوهن (۱۹۸۸) بدون توجه به
مفهوم ضمنی علیت؛ اندازه اثر را به یکی از این دو معنا به کار می برد: حدی که فرضیه صفر نادرست
است یا حدی که پدیده مورد نظر در جمعیت موجود است. هر چه این مقدار بیشتر باشد، میزان بروز
پدیده مورد مطالعه در جمعیت هم بیشتر خواهد بود (به نقل از کوپر، ۱۳۷۹). بر اساس مقدمات قبلی
و تحلیل نتایج جدول ۵ برای سنجش اندازه اثر دین داری بر گرایش به ارزش های دموکراتیک، از
شاخص اثرات ترکیب تصادفی استفاده می کنیم؛ که در این تحقیق با آنالیز داده های مربوط به ۱۷

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

مقاله منتخب اندازه اثر (R) معادل ۰.۴۳۹ بوده که نشان‌دهنده تأثیر متوسط دینداری بر گرایش به ارزش‌های دموکراتیک است.

پژوهشگر درصدد است در راستای تعیین ناهمگنی مقاله‌های منتخب از متغیر تعدیل‌کننده استفاده کند تا واریانس بین مطالعات را تعیین کند. متغیر تعدیل‌کننده، متغیری است که به صورت مستقیم بر جهت یا میزان رابطه متغیرهای مستقل و وابسته می‌تواند مؤثر باشد. اثرات این متغیر، قابل مشاهده و اندازه‌گیری است. فراتحلیل باید مشخص کند که کدام متغیرهای تعدیل‌گر توانایی تبیین واریانس موجود و تفاوت‌ها را دارد. در این مرحله تلاش شد مهم‌ترین متغیرهای پژوهش‌های ۱۷ گانه منتخب، مورد بازبینی قرار گیرند که متأسفانه برخی از آن‌ها در تمام پژوهش‌ها ذکر نشده‌اند. در بین این متغیرها صرفاً دو متغیر نوع پاسخگویان و بستر تحقیق، به‌عنوان متغیرهای تعدیل‌کننده مورد بررسی قرار گرفتند.

بررسی نقش تعدیل‌کنندگی متغیر نوع پاسخگویان

نتایج حاصل از بررسی متغیر نوع پاسخگویان به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده به شرح جدول زیر است:

جدول ۷. نتایج اندازه‌های اثر ترکیبی مربوط به رابطه دین‌داری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک به تفکیک پاسخگویان

مدل اثرات تصادفی			مدل اثرات ثابت			تعداد اندازه اثر	مخاطبان
p-value	z-value	اندازه ترکیبی	p-value	z-value	اندازه ترکیبی		
0.000	4.193	.531	0.000	30.648	.543	7	شهروندان
0.000	5.424	.368	0.000	22.321	.347	10	دانشجویان
0.000	6.731	.403	0.000	36.679	.430	17	کل

داده‌های جدول ۶ نشان می‌دهد که بین شهروندان اندازه اثر در مدل تصادفی ۰.۵۴۳ و در دانشجویان اندازه اثر با مدل تصادفی ۰.۳۴۷ است که هر دو در سطح ۰.۰۰۰ معنادار هستند. به‌بیان‌دیگر دین‌داری در بین دانشجویان تأثیر کمتری بر گرایش به ارزش‌های دموکراتیک آن‌ها به نسبت شهروندان داشته است. گرایش به دموکراسی در بین شهروندان بیشتر از دانشجویان، متأثر از میزان دین‌داری آنان است. تفاوت دانشجویان و شهروندان در این مساله را می‌توان با عواملی نظیر فرایند رشد عقلانیت ابزاری، غلبه گفتمان سکولاریسم و تفوق علم بر دین، تضعیف اقتدار سنتی دینی، تغییر شبکه تعاملی

فرا تحلیل رابطه دین داری و گرایش به ارزش های دموکراتیک

دانشجویان در محیط دانشگاه، استفاده از تکنولوژی و شبکه‌های اجتماعی و نگرش انتقادی بالای دانشجویان و نسل جوان نسبت به آحاد شهروندان در خصوص دینداری (به ویژه در ابعاد اعتقادی و مناسکی) تبیین کرد.

بررسی نقش تعدیل کنندگی متغیر بستر تحقیق

جدول ۸. نتایج اندازه‌های اثر ترکیبی مربوط به رابطه دین داری و گرایش به دموکراسی به تفکیک بستر تحقیق

مدل اثرات تصادفی			مدل اثرات ثابت			تعداد اندازه اثر	بستر تحقیق
p-value	z-value	اندازه ترکیبی	p-value	z-value	اندازه ترکیبی		
0.000	4.162	.535	0.000	30.397	.513	7	مرکز
0.011	2.534	.485	0.000	11.600	.467	2	شرق
0.007	2.694	.334	0.000	14.031	.343	4	جنوب
0.001	3.270	.333	0.000	12.677	.327	4	غرب
0.000	6.253	.398	0.000	36.679	.430	17	کل

جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که بالاترین اندازه اثر در بین در مرکز با ۰.۵۱۳ و کمترین اندازه اثر در مدل تصادفی ۰.۳۲۷ ساکنین مناطق غربی است که هر دو در سطح ۰.۰۰۰ معنادار هستند، همچنین به طور کلی اندازه اثر در همه شهرها ۰.۴۳۰ است. به بیان دیگر، دین داری در مناطق مرکزی تأثیر بیشتری بر گرایش به ارزش های دموکراتیک به نسبت سایر مناطق داشته است. در واقع می‌توان گفت گرایش به ارزش های دموکراتیک در مناطق مرکزی بیشتر متأثر از دین داری آن‌ها است. تفاوت میزان دینداری در مناطق مرکزی کشور با سایر مناطق کشور را، می‌توان با توسعه آمرانه و نامتوازن مناطق گوناگون ایران در بستر تحولات تاریخ معاصر (ظهور دولت مدرن، انکشاف مناسبات سرمایه داری، تضاد مرکز-پیرامون، رشد شهرنشینی، سبک زندگی جدید و افزایش سکولاریسم) توضیح داد.

نتیجه گیری

نسبت دین و دموکراسی یا نسبت سنجی دین و دموکراسی یکی از موضوعات مهمی است که، طی حداقل یک صد و پنجاه سال اخیر، در میان اندیشمندان مسلمان بحث‌های گرم و پرتبوتایی

برانگیخته است. در یک سده‌ی گذشته، دین همواره در کانون هویت جامعه بوده و ادبیات غنی و متنوعی را پیرامون خود خلق کرده‌است. در دوره‌ی بعد از انقلاب، تغییر ارزش‌ها به دلیل تغییر زیرساخت‌های اصلی جامعه به تندی صورت گرفت. اما پس از جنگ تحمیلی و تغییر ساختار اقتصادی، ارزش‌های جامعه به تدریج دگرگون شد. نابرابری‌های اجتماعی افزایش یافت و در پی آن ارزش‌های دینی به سمت ارزش‌های غیر دینی و غیر مذهبی گرایش یافت. بنابراین در شرایط کنونی، اگر چه دین کماکان به عنوان معتبرترین، جدی‌ترین و فراگیرترین عامل، در این عرصه محسوب می‌گردد؛ اما یگانه سازنده و پردازنده نظام صدقی حاکم بر جامعه ایرانی نیست. از این رو، در جامعه امروز ایرانی، شاهد فراهم آمدن امکان بقا و پویایی منظومه‌های غیر دینی، که بعضاً به‌عنوان رقیب دین نقش‌آفرینی می‌کنند، هستیم. افزون بر دلایل فوق، می‌توان به پدیده‌ی سیاست‌زدگی مفراط سپهر عمومی امروز جامعه اشاره کرد (تاجیک، ۱۳۸۴: ۲۰). در نقطه مقابل این نظر، بنیامین هرترزبرگ^۱ (۲۰۲۰) این مساله را مطرح می‌کند که گروه‌های دینی چگونه می‌توانند به تقویت هنجارهای اخلاقی گفتمان لیبرال دموکراسی کمک کنند و آن‌ها را تقویت کنند و توسعه دهند. در جوامع غربی که در سال‌های اخیر رشد افسارگسیخته جنبش‌های راست افراطی و نژادپرستانه را شاهد هستیم، سیاست‌گذاری دولت‌ها باید به گونه‌ای باشد که با استفاده از مفهوم زندگی به‌مثابه دموکراسی، شهروندان دین‌مدار را به مشارکت سیاسی و اجتماعی در زیست روزمره جوامع لیبرال دموکراسی ترغیب کند، از استدلال‌های معرفتی-اخلاقی آن‌ها برای توسعه و تعمیق مرزهای دموکراسی و افزایش تساهل و مدارا استفاده کرده، با تشویق آن‌ها به مشارکت در گفتمان لیبرالیسم، این گزاره را تفهیم کند که گسترش گفتمان دموکراسی مستلزم مشارکت گروه‌های گوناگون فکری در درون اجتماعات معرفتی متنوع و به هم پیوسته جامعه می‌باشد و مشروعیت‌پذیری دولت‌ها نیز از این طریق افزایش پیدا می‌کند.

هیچ پاسخ آسانی برای این سؤال وجود ندارد که آیا دینداری باعث ترویج گرایش به دموکراسی می‌شود یا خیر؟ پژوهش‌های متقدم در حوزه جامعه‌شناسی دین؛ عمدتاً به دینداری به عنوان منبع جهت‌گیری‌های ضد دموکراتیک اشاره می‌کردند ولی مطالعات تجربی متأخرتر؛ شواهد کمتری در این زمینه پیدا کرده و از تأثیرهای گوناگون دینداری بر ارزش‌های دموکراتیک در درون

¹ Hertzberg

فراتحلیل رابطه دین‌داری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک

طیفی شامل مثبت، منفی یا خنثی سخن می‌گویند. به‌عنوان مثال دی هان و شولنبرگ (۱۹۹۷) در پژوهش خود بر روی دانشجویان کالج آمریکایی، به رابطه منفی بین سنجه سخت‌کیشی (التزام به هویت دینی بدون بررسی عمیق) و دستاورد دینی (رسیدن به یک تعریف خوب تعهد پس از یک دوره اکتشاف فعال) با شاخص علاقه به اثربخشی سیاسی و خارجی دست پیدا کردند. در حالی که بین ابعاد ارتودکسی مسیحی و اهمیت معبد/کلیسا شاخص مربوطه رابطه‌ای خنثی به‌دست آمد. براساس نظر الکسی دو توکویل دینداران می‌توانند دارای یک فرهنگ دموکراتیک باشند و یا بر عکس در مقابل آن مقاومت کنند. وی با بررسی دو نظام اجتماعی در آمریکا و فرانسه نشان داد که چگونه روحیه دینی در آمریکا موفق به ایجاد یک نظام و فرهنگ سیاسی دموکراتیک شده‌است و چگونه روحیه دینی در فرانسه، در راه شکل‌گیری دموکراسی، مانع ایجاد کرد. دو توکویل استدلال می‌کند که اصول دینی منبعث از سنت‌های یهودی-مسیحی، پایه‌های اخلاقی لازم برای آزادی را فراهم می‌کند. در واقع، گروه‌های مذهبی در خط مقدم جنبش‌های دموکراتیزاسیون و در مبارزات برای آزادی (مانند حقوق زنان و لغای برده‌داری) بوده‌اند (نپستاد و ویلیامز، ۲۰۰۸؛ تافت و همکاران ۲۰۱۱). متفکران دیگر، مانند رالز و هابرماس با این استدلال که چون اعتقادات مذهبی در خدمت اهداف دموکراتیک نیستند و باید از حوزه سیاسی کنار گذاشته شود، موافق نیستند (هابرماس، ۲۰۰۶؛ رالز، ۱۹۹۳). مجتهد شبستری (۱۳۸۱) نیز با تأکید بر منشاءهای متفاوت ارزش‌های دینی و ارزش‌های دموکراتیک (اصالت قرارداد، رضایت و قبول عامه به‌عنوان منبع مشروعیت، اصالت برابری مدنی، اصالت قانون و قانونگرایی)، بر لزوم همراستایی و همگرایی این دو نوع از ارزش‌ها در مسیر رسیدن به توافق و تفاهم جمعی تأکید می‌کند.

میرا ماردی (۱۳۸۳) بر این باور است که در نگاه اول، هر دینی تقریباً غیردموکراتیک است؛ زیرا در دین اصل بنیادین، همنوایی و تبعیت است در حالی که دموکراسی مبتنی بر تنوع و تفاوت است؛ ولی با این حال بر این نظر است که هر دین تنها مجموعه‌ای از باورهای جزئی و هنجارها نیست بلکه دارای جنبه‌های نهادی و شخصی هم هست. کلیساهاییکه بعضی از آن‌ها بسیار قدرتمند هستند، وجود دارند که فعالیت‌های نهادی آن‌ها صرف نظر از این که دقیقاً دینی یا بیشتر دنیایی است، بر فرایندهای سیاسی اثر دارند و یا خود، بخشی از این فرایندها هستند. هانتینگتون (۱۹۹۱) در تحلیل فرایندهای دموکراتیک شدن دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی، به نقش مهم کلیسای کاتولیک اشاره می‌کند و تغییر موضع

کلیساهای ملی از مدافعان وضع موجود به مخالفان اقتدارگرایی و حاملان اصلاحات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را یکی از پنج علت غیراصولی می‌داند که پدیده موج سوم دموکراسی را تبیین می‌کند. فرضیه کلی هانتینگتون از این هم قاطع‌تر است؛ زیرا بیانگر رابطه بین گسترش مسیحیت و توسعه دموکراسی است.

نتایج تحقیق همراستا با پژوهش‌های ذوالفقاری و واحدی (۱۳۸۸)، حاتمی و دیگران (۱۳۹۲)، خانیکی و سرشار (۱۳۹۱)، گلچین و دیگران (۱۳۸۷)، جهانگیری و ابوترابی (۱۳۹۱)، شیرعلی زاده (۱۳۹۲)، ناییب و میرزایی (۱۳۹۷)، ملائکه و امیری‌فر (۱۳۹۷)، یکتاپرست و دیگران (۱۳۹۸)، زارع و روهنده (۱۳۹۵)، کشاورز و دیگران (۱۳۹۲) بر رابطه متوسط بین دینداری و گرایش به رازش‌های دموکراتیک، تأکید می‌کند. در اکثر مقالات و پژوهش‌های گفته شده، دینداری بر روی گرایش به دموکراسی، تأثیر منفی می‌گذارد؛ چرا که این نوع پژوهش‌ها صرفاً بر روی میزان دینداری افراد تأکید می‌کنند و نوع دینداری افراد مورد سنجش قرار نمی‌گیرد. در حالی که در تحقیقاتی که نوع دینداری افراد مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، دین‌داران شبه سکولار گرایش به مراتب بیشتری به دموکراسی دارند تا دین‌داران مناسکی و سنتی و بنیادگرا. از دین نیز، مانند هر ایدئولوژی دیگری، روایت‌ها و خوانش‌های متعددی شده‌است و نمی‌توان تمام آن روایت‌ها را به یک روایت تقلیل داد. عبدالکریم سروش (۱۳۷۵) با رهیافتی معرفت‌شناسانه، انواع دینداری را شامل مصلحت‌اندیش، معرفت‌اندیش و تجربیت‌اندیش می‌داند. مجتهد شبستری (۱۳۸۱) با رویکردی هرمنوتیکی به دین، قرائت رسمی دین را از قرائت انسانی آن جدا می‌کند. مصطفی ملکیان (۱۳۷۸) دینداری را بر سه تیپ بنیادگرا، تجددگرا و سنت‌گرا می‌داند. محسن کدیور (۱۳۸۳) دین را شامل، سنت‌گرایانه، بنیادگرایانه و نواندیشانه می‌داند و ویلیام شپرد^۱ (۲۰۰۴) نیز در مواجهه جامعه‌شناسانه با دین، آن را به پنج قسم سکولار، تجددگرایی اسلامی، اسلام‌گرایی رادیکال، سنت‌گرایی و سنت‌گرایی جدید تقسیم بندی کرده‌است. در این تحقیق با بررسی ۱۷ مطالعه که در نشریات معتبر علمی - پژوهشی در ایران منتشر شده‌اند، ضرایب تأثیر دینداری بر گرایش به دموکراسی را مورد بررسی قرار دادیم و به این نتیجه رسیدیم که: در حد متوسطی دینداری بر گرایش به دموکراسی تأثیر دارد. میزان این تأثیر در بین شهروندان جامعه بیشتر از دانشجویان است و البته در مناطق مرکزی ایران این تأثیر بیشتر

¹ Sheperd

فرا تحلیل رابطه دین‌داری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک

از سایر مناطق است. جامعه ایران در حال گذار از یک جامعه سنتی به جامعه مدرن است و این گذار مستلزم رعایت اسلوب‌ها و قواعد دموکراتیک در نظام سیاسی حکمرانی ایران است. به رسمیت شناختن تنوع اندیشگی در ایران، پیش شرط گذار به دموکراسی و توسعه است و این مهم، در چارچوب نظمی اقتدارگرا امکان‌پذیر نیست. حل مشکلات و تضادهای جامعه ایران با جامعه بین‌الملل نیز در گرو درکی واقع‌بینانه و منطقی از جایگاه کشور ایران و حکومت، در ژئوپولیتیک منطقه است.

منابع و مأخذ

- احمدی، یعقوب؛ محمدزاده، حسین؛ مجیدی، ابوبکر. (1396). گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان استان کردستان بر پایه متغیرهای اجتماعی - فرهنگی، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و نهم، شماره پیاپی (69)، شماره اول، صص 107-128.
- بابایی فرد؛ اسدالله. (1391). دیدگاه‌های رابرت بلا درباره دین مدنی، فصلنامه تخصصی مطالعات اجتماعی دین، سال اول، شماره اول، صص 24-18.
- پای، لوسین. (1370). فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی، ترجمه مجید محمدی، نامه فرهنگ، شماره 5-6، سال سوم، پاییز و زمستان، 37-47.
- تاجیک، محمدرضا، 1384، دین، دموکراسی و روشنفکری در ایران، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- ترنر، برایان. (1379). ماکس وبر و اسلام، ترجمه سعید وصالی، نشر مرکز.
- جهانگیری، جهانگیر؛ ابوترابی زارچی، فاطمه. (1391). بررسی تأثیر میزان استفاده از رسانه‌های جمعی بر مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی دانشجویان: مطالعه‌ی موردی دانشگاه شیراز، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره 4، صص 122-89.
- حاتمی، محمدرضا؛ فرجیان، مرتضی؛ روشن چشم، حامد؛ جمشیدی، علی. (1391). بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره پنجم، شماره 4، صص 107-129.
- خانیکی، هادی؛ سرشار، حمید. (1391). گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه کردستان، فصلنامه پژوهش سیاست نظری، شماره یازدهم، صص 91-130.
- دوتو کوپل، آلکسی. (1394). دموکراسی در آمریکا، ترجمه بزرگ نادر زاد، فرهنگ جاوید.
- ذوالفقاری، ابوالفضل؛ موحدی، محمدابراهیم. (1390). بررسی رابطه میزان و نوع دین‌داری با ارزش‌های مردم سالاری. فصلنامه علوم اجتماعی، (52)، 1-28. SID. <https://sid.ir/paper/492733/fa>
- ذوالفقاری، ابوالفضل؛ موحدی، محمدابراهیم. (1388). بررسی رابطه میزان و نوع دین‌داری با ارزش‌های مردم سالاری، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره 52، صص 1-27.
- رودنسون، ماکسیم. (1398). اسلام و سرمایه‌داری، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر احسان.

..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

- رهبر قاضی، محمود رضا؛ امام‌جمعه زاده، سید جواد؛ نوریخس، سوسن؛ خاکی، مینا. (1395). بررسی رابطه دین‌داری با دو نوع فرهنگ سیاسی مشارکتی و دموکراتیک، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال نوزدهم، شماره 71، صص 141-165.
- زارع، بیژن؛ روهنده، مجید. (1395). پژوهشی در باب دین‌داری و مشارکت سیاسی در شهروندان شهر کرج، دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال پنجم، شماره 8، صص 46-23.
- زالی زاده، مسعود؛ باقری، معصومه؛ ملتفت، حسین. (1397). بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر مدارای اجتماعی، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره 70، صص 146-129.
- سراج زاده، سید حسین؛ شریعتی مزینانی، سارا؛ صابر، سیروس. (1383). بررسی رابطه میزان دین‌داری و انواع آن با مدارای اجتماعی، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، صص 142-109.
- سروش، عبدالکریم. (1375). قبض و بسط تئوریک شریعت، تهران، صراط.
- سعید، بابی. (1379). هراس بنیادین: اروپا مدارای و ظهور اسلام‌گرایی، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، دانشگاه تهران.
- سیدامامی، کاووس؛ عبدالله، عبدالمطلب. (1388). عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس؛ مطالعه موردی شهر تهران. پژوهشنامه علوم سیاسی، 44 (16)، 109-146. SID. <https://sid.ir/paper/115856/fa>
- شجاعی زند، علیرضا. (1384). مدلی برای سنجش دینداری در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره 6، شماره 1، صص 66-34.
- شجاعی زند، علیرضا. (1386). جزوه جامعه‌شناسی دین، دانشگاه تربیت مدرس.
- شیرعلی زاده، حسن؛ عظیمی، لیلیا؛ رسول‌زاده اقدم، صمد. (1392). بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین دین‌داری با آشنایی به حقوق شهروندی، مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره 41، صص 66-55.
- صالح‌آبادی، ابراهیم؛ قندهاری، عبدالرضا. (1390). بررسی رابطه بین میزان دین‌داری و نگرش به دموکراسی در بین شهروندان نیشابوری در سال 1389، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، صص 118-95.
- طالبان محمد رضا؛ میرزایی مهدی. (1389). بررسی تجربی ارتباط سطوح دینداری با رفتار انتخاباتی دانشجویان. جامعه‌شناسی تاریخی، ۲ (۴): ۳۳-۶۷.
- طالبان، محمدرضا. (1380). تعهدمذهبی و تعلق سیاسی، فصلنامه پژوهش، شماره 20 و 21، ص 5، صص 3-22.
- طباطبایی، محمود قاضی؛ ودادحیر، ابوعلی. (1389). فراتحلیل در پژوهش‌های اجتماعی و رفتاری، تهران، جامعه‌شناسان.
- فوکویاما، فرانسیس. (1393). پایان تاریخ و آخرین انسان، ترجمه عباس عربی و زهره عربی، تهران، سخنکده.
- قربانی زاده، وجه‌الله؛ نانگیر، سید طه حسن. (1393). راهنمای کاربردی فراتحلیل با نرم‌افزار cma2، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان
- کدیور، محسن. (1385). داد و ستد اسلام و مدرنیته <https://www.magiran.com/article/1175040>

فرا تحلیل رابطه دین‌داری و گرایش به ارزش‌های دموکراتیک

- کشاورز، زهرا سادات؛ ربانی خوراسگانی، علی؛ یزدخواستی، بهجت. (1392). بررسی تأثیر دین‌داری بر گرایش به رفتار انتخاباتی شهروندان اصفهانی با تأکید بر نظام مردم‌سالاری دینی، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و ششم، شماره پیاپی (58)، شماره دوم، 40-17
- کوپر، هریس. (1379). پژوهش ترکیبی: راهنمای بررسی متون پژوهشی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- گلچین، مسعود؛ حق‌خواه مژگان؛ سیدی، فرشته. (1387). فرهنگ سیاسی دموکراتیک و عوامل مؤثر بر آن (یک مطالعه موردی)، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س 16، شماره 61، صص 236-189
- لويس، برنارد. (1396). خاورمیانه: دو هزار سال تاریخ از ظهور مسیحیت تا امروز، ترجمه حسن کامشاد، تهران، نشر نی
- ماردی، میرا. (1383). سازگاری یاناسازگاری دین و دموکراسی؛ تجربه کلیسای کاتولیک؛ در چالش‌های دین و مدرنیته؛ سید حسین سراج زاده، تهران، طرح نو.
- مجتهد شبستری، محمد. (1381). نقدی بر قرأت رسمی از دین (بهران‌ها، چالش‌ها و راه‌حل‌ها)، تهران، طرح نو
- ملانکه، سید حسن؛ امیری فر؛ الهام. (1397). بررسی ارتباط بین ابعاد مختلف دین‌داری و مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر ایزده، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال دوازدهم، شماره دوم، پیاپی 41، سس 86-61.
- ملکیان، مصطفی. (1378). سخنی در چند و چون ارتباط اسلام و لیبرالیسم، مجله کیان، شماره 48.
- ملکیان، مصطفی. (1381). راهی به رهایی: جستارهایی در باب عقلانیت و معنویت. تهران، نگاه معاصر.
- مؤمنی، مریم؛ ایمان، محمدتقی؛ رجبی، ماهرخ. (1395). بررسی جامعه‌شناختی رابطه الگوهای دین‌داری با انواع مدارای اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال ششم، شماره سوم، صص 340-321
- نائی، هوشنگ؛ میرزایی، مهدی. (1397). تبیین رابطه نوع دین‌داری با نوع فرهنگ سیاسی، فصلنامه سیاست، شماره 46، صص 512-493.
- وبر، ماکس. (1373). اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری، ترجمه عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی، تهران، انتشارات علمی-فرهنگی.
- هانتینگتون، ساموئل. (1381). برخورد تمدن‌ها، ترجمه مجتبی امیری وحید، وزارت امور خارجه.
- یکتاپرست راسته کناری، ندا، نوری، هادی؛ غلامی، محمدرضا. (1395). نگرش سیاسی و ارتباط آن با دین‌داری و طبقه اجتماعی در بین مردم شهر رشت، دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال هشتم، شماره 14، صص 26-1
- Almond, Gabriel and Sidney Verba (1965), Civic culture, Political Attitudes and Democracy in five nation, Boston: Little, Brown and Company
- Ben-Nun Bloom, P., Arikan, G., & Vishkin, A. (2021). Religion and democratic commitment: A unifying motivational framework. *Political Psychology*, 42, 75-108.
- Diamond, Larry (1999) Developing Democracy toward Consolidation, Baltimore and London: The Johns Hopkins University Press.

..... پژوهش های جامعه شناختی، سال هجدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

- Dow, J. W. (2007). A scientific definition of religion
<https://www.researchgate.net/public/255626056>
- Guth, J.; Green, J.; Kellstedt, L. and Smidt, C. (2002), "Rrligion and political participation, prepared for delivery at the 2002 Annual meeting of the American political science Association".
- Halliday, F. (1996). *Islam and the Myth of Confrontation*. IB Tauris.
- Huang, M. H. (2005). Islam and democracy: A global perspective. *Taiwan journal of democracy*, 1 (2), 109-137.
- Karl, T. L., & Schmitter, P. C. (2002). Concepts, assumptions & hypotheses about democratizations: reflections on 'stretching' from South to East. Prepared for workshop on Regime Transitions: Transitions from Communist Rule in Comparative perspective.
- Levin, J., Chatters, L. M., & Taylor, R. J. (2011). Theory in religion, aging, and health: An overview. *Journal of Religion and Health*, 50(2), 389-406.
- Shepard, W. E. (1987). Islam and ideology: Towards a typology. *International Journal of Middle East Studies*, 19(3), 307-336.
- Stark, R. & Fink. R. (2000). *Acts of Faith*, University of California Press.
- Umphres, W. P. (2020). Book Review: *Chains of Persuasion: A Framework for Religion in Democracy*, by Benjamin R. Hertzberg.